

نقد و معرفی کتاب

اسم و صفت مرکب در زبان فارسی

علاالدین طباطبائی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲، دوازده+۱۲۷ ص.

تألیف کتابهای تخصصی در کنار مقالات، از نیازهای اصلی هر شاخه علمی است. البته این امکان وقتی تحقق می‌یابد که علم مورد نظر دوران طفولیت خود را پشت سر گذاشته و از حیث محقق، استاد و دانشجو به حد قابل قبولی دست یافته باشد. اگر غیر از این باشد، کتابهایی که در آن زمینه تألیف می‌شود بیشتر مقدماتی خواهد بود و جنبه کتاب درسی خواهد داشت. هم اکنون به نظر می‌رسد علم زبان‌شناسی در ایران دوران طفولیت خود را پشت سر گذاشته باشد و هرچند ممکن است در برخی موارد از قافله زبان‌شناسی دنیا عقب باشد، اما افزایش کمی و کیفی گروههای زبان‌شناسی و تعداد دانشجویان و محققان این رشته، امکان تألیف کتابهای تخصصی‌تر در این رشته به زبان فارسی را بیش از پیش ممکن ساخته است.

در سالهای اخیر چند کتاب تخصصی زبان‌شناسی منتشر شده که کتاب اسم و صفت مرکب در زبان فارسی یکی از آنهاست. این کتاب که حاصل رساله دکتری نگارنده آن می‌باشد، مطالعه‌ای در حیطه صرف زبان فارسی است. در این کتاب واژه‌سازی فارسی، به ویژه اسم و صفت مرکب، از دیدگاه نظریهٔ ایکس تیره بررسی شده است. در واقع نظریه بنیاد بودن آن یکی از نکات مثبت این کتاب است. کتاب حاضر دارای دو بخش و هشت فصل است. بخش اول به مبانی نظری و بخش دوم به بررسی اسم و صفت مرکب در فارسی پرداخته است.

نگارنده در فصل اول به توضیح مفاهیم بنیادین در واژه‌سازی پرداخته است. وی ابتدا ملاکهای نحوی، صرفی و آوایی برای تمایز کلمات مرکب از گروههای نحوی را ارائه می‌دهد و به تعریف مختصر و مفید مفاهیم تصریف، اشتقاق، ترکیب، ریشه و پایه می‌پردازد. وی مهمترین نقش دستگاه واژه‌سازی را ساختن واژه‌هایی با معنایی پیش‌بینی‌پذیر می‌داند که باعث صرفه‌جویی در محورهای هم‌نشینی و جاننشینی می‌شود. همچنین زایائی در صرف را نسبی و زمانمند می‌داند. نسبی به این معنی که برخی فرایندها از برخی دیگر زایاترند و زمانمند به این صورت که ممکن است فرایندی در یک زمان بسیار زایا باشد و در زمان دیگر از زایائی آن کاسته شود. ایشان شرایط لازم برای واژه‌سازی

را نیاز و نام‌پذیری دانسته‌اند. همچنین در ادامه، موانع واژه‌سازی شامل عوامل درون‌زبانی، مانند وجود واژه رقیب، عوامل واج‌شناختی، معنایی و صرفی و عوامل برون‌زبانی را تعریف کرده‌اند. بخش آخر فصل به معرفی اجمالی روشهای واژه‌سازی اختصاص دارد.

فصل دوم کتاب به واژه‌سازی از دیدگاه نظریهٔ ایکس تیره می‌پردازد. برطبق این نظریه همهٔ گروههای نحوی دارای هسته‌اند. برخی زبان‌شناسان معتقدند که در صرف هم کلمات دارای هسته‌اند و طبق قاعدهٔ تراوش همان ویژگیهایی را دارند که هستهٔ آنها دارد. نگارندهٔ کتاب استدلال می‌کند که در زبان فارسی کلمات مرکب می‌توانند هم هسته آغاز باشند، مانند، «خوش‌طینت» و هم هسته پایان، مانند «سفیدرود». همچنین ادعا شده است که در زبان فارسی، اگر یک واژه مشتق یا مرکب هستهٔ معنایی داشته باشد، آن هسته، هستهٔ نحوی هم هست. به این ترتیب واژه‌های مرکب یا هسته‌دار (درون‌مرکز) هستند، که می‌توانند هسته آغاز باشند، مانند «شکایت‌نامه»، یا هسته پایان باشند مانند «بداخلاق»، و یا بدون هسته هستند که می‌توانند برون‌مرکز باشند مانند «خارپشت» یا متوازن باشند مانند «پس‌ریچه». همچنین ادعا شده که در واژه‌های مشتق، وندها هستهٔ معنایی و نیز هستهٔ نحوی هستند. از آن جایی که وندهای اشتقاقی مقوله گذر هستند پس از طریق تراوش مقولهٔ خود را برکل واژه تحمیل می‌کنند. وندهای اشتقاقی هستهٔ نحوی هستند چون مقولهٔ کلمات را تعیین می‌کنند. آنها هستهٔ معنایی کلمه نیز می‌باشند. مثلاً اگر «-ناک» به معنای «پر» و «آمیخته به» باشد، آنگاه کلمه‌ای که قبل از آن قرار می‌گیرد معنای آن را محدود می‌کند. در ادامه، هستهٔ معنایی و نحوی کلمات مرکب بررسی شده است. در کلمات مرکب درون مرکز هستهٔ معنایی برابر با هستهٔ نحوی است. کلمات مرکب برون‌مرکز و متوازن هستهٔ نحوی و معنایی ندارند. نگارندهٔ کتاب نتیجه می‌گیرد که در زبان فارسی زیاترین فرایندهای واژه‌سازی آنهایی هستند که کلمهٔ هسته‌دار می‌سازند، یعنی واژه‌های مشتق یا کلمات مرکب درون‌مرکز.

فصل سوم کتاب به بررسی آثار پیشین اختصاص دارد. نگارنده صرف و نحو را دو دستگانه مجزای زبان فرض کرده و دلایل خود را نیز بیان نموده است. در اینجا آثار نگاشته شده در زمینهٔ صرف که متعلق به دستوریان سنتی و زبان‌شناسان می‌باشند به طور خلاصه معرفی شده‌اند.

بخش دوم کتاب که به بررسی اسم و صفت مرکب در زبان فارسی می‌پردازد با فصل چهارم تحت عنوان «تفاوتهای اسم و صفت» آغاز شده است. در این فصل نگارنده از ملاکهای صرفی، نحوی و معنایی برای تمایز میان اسم و صفت بهره می‌برد. ایشان میان صفت جانشین اسم، مانند «قرمز» در جملهٔ «از آن قرمزها بدهید» و صفتی که از راه اشتقاق صفر به اسم تبدیل شده، مانند «بزرگ» در جملهٔ «چنین کنند بزرگان» تفاوت می‌گذارد. در مورد صفات جانشین اسم، موصوف باید از متن قابل استنباط باشد، اما در مورد گروه دوم این گونه نیست. برخی ملاکهای صرفی برای

تمایز میان اسم و صفت استفاده از پسوند جمع، یای نکره و وحدت برای اسم، و استفاده از -تر و -ترین برای صفات درجه‌پذیر، وندهای صفت‌ساز مانند -آ، -مند و -ناک هستند. استفاده از قیود تشدیدکننده قبل از صفت و تفاوت میان ترکیب اضافی و وصفی و هم‌نشینی فراوان اسم با صفت در مقایسه با اسم از ملاکهای نحوی ذکر شده هستند. ملاک معنایی تشخیص ترکیب اضافی از ترکیب وصفی این است که مضاف و مضاف‌الیه هر دو در دنیای خارج دارای مصداق مشخص هستند، مانند «لوله بخاری»، اما صفت و موصوف به مصداقی واحد اشاره دارند، مانند «لوله سیاه». اسمها و صفت‌های مرکب درون مرکز به دو دسته تقسیم شده‌اند: هسته پایان و هسته آغاز. در فصل پنجم الگوهای مختلف برای ساختن اسم و صفت مرکب هسته پایان معرفی شده‌اند که برخی آنها از این قرارند:

اسم + اسم ← اسم: دندان درد

صفت + اسم ← اسم / صفت: پیرمرد، کم‌آب

اسم صفت‌گونه + اسم ← اسم: گاو صندوق

واژه‌های مرکب فعلی نیز واژه‌هایی هستند که یک بخش آنها از فعل مشتق شده است:

اسم + صفت فاعلی: شرکت‌کننده

قید / صفت در نقش قید + صفت فاعلی: خوشحال‌کننده

اسم + صفت مفعولی: ذوق‌زده

صفت مفعولی مرکب مرخم: نوزاد

مصدر مرکب مرخم: بزرگداشت

صفت مرکب فاعلی مرخم: دانشجو

فصل ششم به بررسی اسم و صفت مرکب هسته آغاز اختصاص یافته است. نگارنده در ابتدای این فصل با ارائه شواهد صرفی، نحوی و معنایی نشان داده است که کلماتی مانند «کمک‌راننده» و «پسرخاله» ترکیب صرفی‌اند نه نحوی. در واقع این ترکیبات با حذف کسره اضافه و تغییر تکیه نحوی به ترکیبی صرفی بدل شده‌اند که عنصر آغازین آنها هسته است. در مورد کلماتی که گاهی در آنها کسره اضافه ظاهر می‌شود، مانند، «تخم مرغ» گفته‌اند که آنچه کسره اضافه می‌نماید نوعی صورت ساز است که برای شکستن خوشه همخوانی ظاهر می‌شود. البته برخی از این ترکیبها هم صورت صرفی دارند و هم صورت نحوی. برخی از کلمات مرکب هسته آغاز براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

اسم + اسم ← آبلیمو
 اسم + صفت ← اسم: شیرخشک
 اسم + اسم + ی ← اسم ابزار: جاسیگاری
 صفت + اسم ← صفت مرکب: کم آب
 صفت در حالت مضاف + اسم ← صفت: ضدشوره
 عدد + اسم ← صفت: دونبش

فصل هفتم به واژه‌های مرکب بدون هسته اختصاص دارد. روابط معنایی میان اجزای واژه‌های مرکب برون‌مرکز در قیاس با واژه‌های مرکب درون‌مرکز تیره‌تر هستند. این واژه‌ها هسته نحوی و معنایی ندارند. به همین دلیل روابط معنایی میان اجزای سازنده این واژه‌ها تابع قوانین کلی و ساده نیست و دارای زبانی کمتری است. برخی کلمات برون‌مرکز براساس قواعد زیر ساخته می‌شوند:

اسم / ضمیر مشترک + صفت فاعلی مرخم ← اسم مرکب: خودآموز
 اسم + اسم ← اسم مرکب: خارپشت
 اسم + اسم ← صفت مرکب: ماهرو
 عدد + اسم ← اسم مرکب: چهارپا

گروهی دیگر از واژه‌های مرکب بدون هسته کلمات متوازن هستند که معنای آنها جمع معنای اجزای آنهاست، مانند «پسر بچه» و «کاسه بشقاب».

فصل هشتم کتاب به رابطه ترکیب با اشتقاق و نحو و واژگان می‌پردازد. به نظر مؤلف کتاب تمایز میان ترکیب و اشتقاق به ویژه از حیث در زمانی مطلق نیست. همچنین ترکیب و اشتقاق در واژه‌های مرکب شبیه هستند، چون در هر دو عنصری وجود دارد که نقش هسته معنایی و نحوی را بازی می‌کند. مهم‌ترین تفاوت میان ترکیب و اشتقاق در میزان شفافیت آنهاست. واژه‌های مرکب معمولاً شفاف‌تر از واژه‌های مشتق هستند.

در پایان دو نکته در مورد ویژگی‌های این کتاب قابل ذکر است. نخست نثر روان و بسیار گویای آن است که فهم مطالب آن را بسیار آسان ساخته و باعث خستگی خواننده نمی‌شود. نکته دوم وجود برخی اشتباهات تایپی در کتاب است که البته تعداد آنها زیاد نیست؛ مانند بسته نشدن پرانتز در صفحه ۴، سطر ۷، و کاربرد کلمه «نحوی» به جای «وصفی» در صفحه ۵۴، سطر ۱۴. مطمئناً دانشجویان زبان‌شناسی و محققان حیطه صرف زبان فارسی از مطالعه این کتاب بهره خواهند گرفت و نکات ارزشمند آن می‌تواند پایه انجام تحقیقات بیشتر باشد.

محمد راسخ‌مهند